فصل دوم

نقاشی از طبیعت

هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل فراگیر باید بتواند از موضوع طبیعت :
ــ با آبرنگ و گواش به روش‌های مختلف نقاشی کند.
ــ به‌وسیله رنگ و روغن با شیوه‌های گوناگون نقاشی کند.

۱ــ۲ــ آشنایی با سابقه و سیر تحوّل نقاشی از طبیعت

انسان، از بدو تاریخ همواره با توسل به جادوی تصویر کوشیده است بر محیط و طبیعت پیرامون خویش مسلط شود.

در عصر کهن، خدایان، تجسّمی از نیروهای طبیعت بودند. از آن زمان تاکنون انسان به برخی چیزهای پیرامون خود مانند درختان، گل‌ها، سبزه‌ها، رودها و تپه‌ها و حالات مختلف آسمان و زمین توجه داشته است. شگفتی و هیبت، هنوز هم در اشکال مختلف طبیعت بر انسان تأثیر می‌گذارد. خلق منظره و اجزای آن در طول تاریخ به جلوه‌گاهی برای برداشت‌ها و تلقیات ما از جهان پیرامون تبدیل شده است. مجموعه‌ای از این عناصر که «منظره» نام دارد، در ادوار اولیهٔ تاریخ هنر کمتر به‌صورت مستقل دیده می‌شود. شاید، اولین منظرهٔ تاریخ هنر را بتوان، نقاشی دیواری مربوط به شهر باستانی «چِتِل هویوک» (واقع در ترکیه امروزی) دانست. این منظره ابتدایی، کوهی با دو قله و شهری با خانه‌های چهارگوش را نشان می‌دهد. خط‌ها و نقطه‌هایی که از قلهٔ بلندتر خارج می‌شوند، فوران مواد آتشفشانی را نشان می‌دهند.

برای هزاران سال بعد، نقّاشان و هنرمندان، منظره و عناصر آن را به‌صورت مستقل به‌کار گرفتند. شاید بتوان گفت این مسأله به علت زندگی در بستر طبیعت و توجّه بیشتر به اندام انسان و حیوان صورت گرفته است. البته باید خاطرنشان کرد که همواره عناصر طبیعت به‌صورت‌های نمادین و پالایش یافته یا در شکل نقوش به همراه دیگر موضوعات، تصویر می‌شد تا جایی که مثلاً گل نیلوفر، نمادی برای آفتاب یا آسمان یا تولد بود. گل‌های دوازده پر به‌کار رفته در تخت‌جمشید نیز، تجلّی معانی نمادین است، و نیز می‌توان گفت که به‌صورت نقشی تلطیف‌کننده در حجاری‌ها به‌کار رفته است.

در عصر باستان، مصریان توجه ویژه‌ای به طبیعت نگاری داشتند. نمونه‌های بازمانده از هنر مصر، دقت هنرمندان مصری را در نشان دادن اجزای طبیعت نشان می‌دهد.

نقاشان عهد هلنی نیز در مشاهدهٔ پیرامون خود نگاهی ژرف و گویا داشتند. آن‌ها نورپردازی را به‌صورتی تزیینی وارد منظره کردند. پس از آن، رومیان نیز از این شیوه در نقاشی‌های دیواری خود سود جستند (تصویر ۱ــ۲).

تصویر ۱ــ۲ــ باغ رومی ــ نقاشی دیواری ــ پریما پورتا ــ نزدیک روم، اواخر قرن اول قبل از میلاد مسیح

در قرون وسطا، طبیعت حالتی منجمد و رهبانی می‌یابد و منظره، ماهیتی تزیینی و نمادین دارد. هنر شرق قبل از این به طبیعت پردازی توجه می‌کند. چینی‌ها بیش از ملل شرقی از موضوع طبیعت در نقّاشی‌هایشان بهره می‌گیرند.

طبیعت در هنر چین، تجلی نیرویی برتر است. زاویه دیدهای متغیّر نقاش چینی، بر خلاف نقاشی‌های غربی، نقطهٔ تلاقی واحدی ندارند. برای درک این نقاشی‌ها باید جزییات آن را نیز در نظر گرفت. همچنین، نزدیکی و دوری به‌صورتی عمودی و از پایین به بالا صورت می‌گیرد. این طبیعت، در نقاشی ایرانی حالتی جواهرگون و رنگارنگ دارد. همزمان در تذهیب‌کاری‌ها، عناصر طبیعت به‌صورتی ساده و نمادین نقوشی را می‌سازند که در بسترهای مختلفی از کاغذ گرفته تا سنگ و پولاد جلوه‌گر می‌شوند (تصاویر ۲ــ۲ و ۳ــ۲).

در دوران رنسانس محور توجّه هنرمند، انسان بود و طبیعت، همواره نقشی حاشیه‌ای داشت. اما در همین زمان است که هنرمندان به خاصیّت رنگ‌های سرد در عمق‌نمایی پی می‌برند. هنرمندانی چون «لئوناردو داوینچی[۱]» به‌صورتی علمی به مطالعهٔ اجزای طبیعت می‌پردازند. عقیده بر این است که نخستین منظره‌نگاری مستقل و نوین، به‌دست هوبرت وان آیک[۲] نقاشی شده است. آلبرت دورر[۳] و پیتر بروگل[۴] درهلند کیفیّات ریزنگاری طبیعت را در کارهایشان به تصویر می‌کشند. در قرن هفدهم ال گرکو[۵]، برای اولین بار در منظره‌پردازی روحیه‌ای اکسپرسیونیستی را به نمایش می‌گذارد.

۱ــ Leonardo da vinci (1452 - 1519)　　۲ــ Hubert van Eyck (1426 - ?)

نام پرده وان آیک «ستایش بره خدا» است و در آن باغی بهشتی و نمادین تصویر شده است (رجوع شود به کنت کلارک، سیر منظره‌پردازی در هنر اروپا، ص ۴۲)

۳ــ Albrecht Durer (1471 - 1528)　　۴ــ Pieter Bruegel (1525 - 1569)

۵ــ El greco (1541 - 1614)

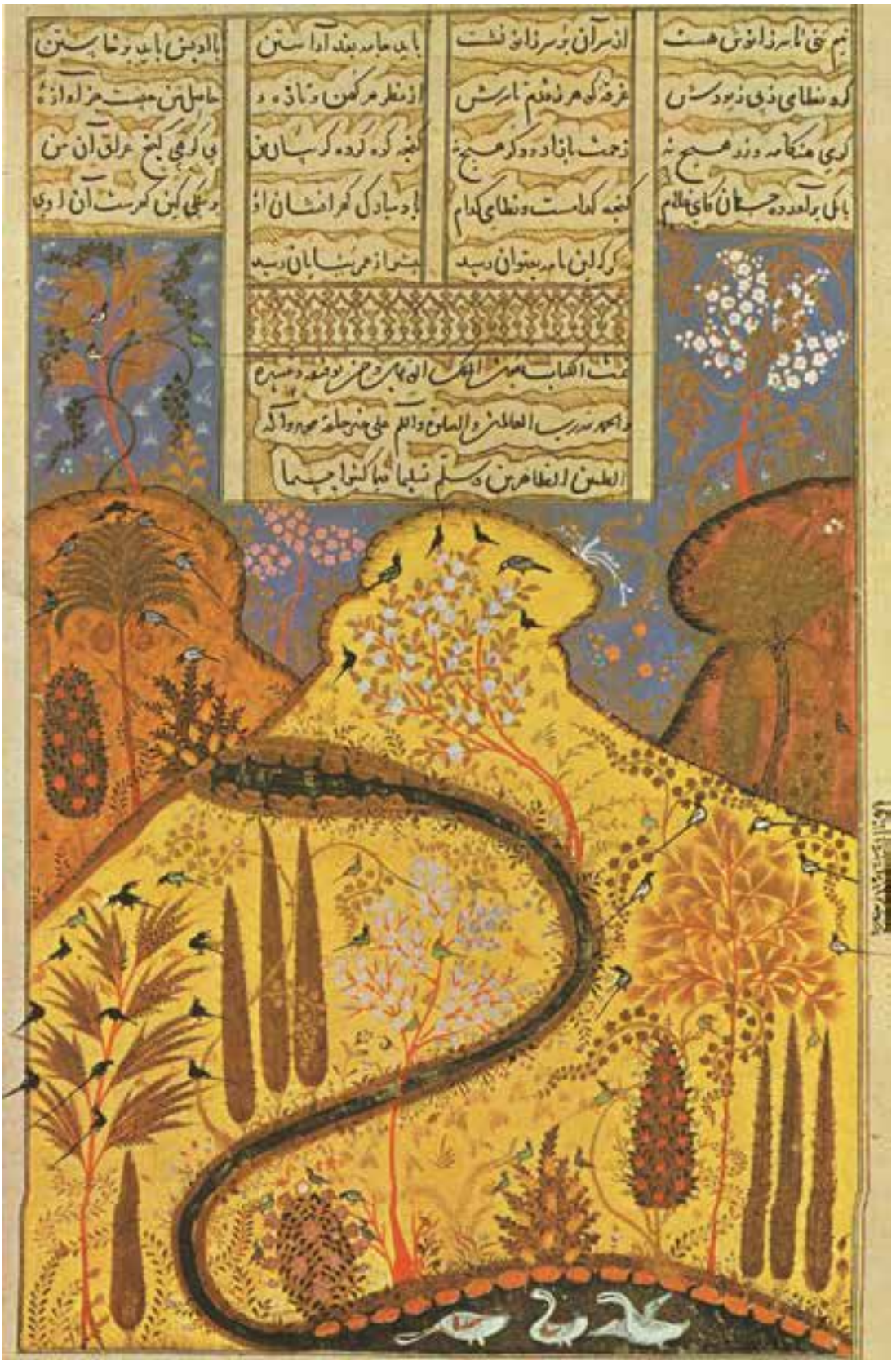

تصویر ۲ــ۲ــ منظره کوه‌ها و چشمه‌ها ــ بهبهان ــ آبرنگ ۱۳۹۸ م ــ ۵×۶۳/۴ سانتی‌متر ــ موزه هنر اسلامی ترکیه ــ استانبول

تصویر ۳ــ۲ــ میمون و لاک پشت ــ از کتاب کلیله و دمنه ــ مکتب تیموری ۱۴۲۰ ــ ۱۴۱۰ میلادی ــ $۵\frac{۷}{۸}\times۴\frac{۵}{۸}$ سانتی متر

منظره‌های ال گرکو، با نگرشی منحصر به فرد و با طرح‌بندی اطوارگرایانه و نقطه دید بالا (در چشم‌انداز تولدو[۱]) (تصویر ۴ــ۲) نشانگر روح پرتلاطم و وهم انگیز طبیعت است. دوران «باروک[۲]»، با نقاشانی همچون روبنس[۳] و رامبراند[۴]، عناصر طبیعت را با پیچ و تاب‌ها و نورپردازی‌های شکوهمند جلوه‌گر می‌سازند.

این روحیه در شیوهٔ «روکوکو[۵]»، تزیینی‌تر و افراط‌گرایانه‌تر می‌شود.

در سنّت اروپا تا مدتی، چشم‌اندازهای طبیعت بیشتر نقش پس زمینه را دارد تا این‌که، در سده هفدهم، منظره نقش عمده می‌یابد. کلود (ژله) لُرن[۶]، حالات غم‌انگیز مناظر ایتالیا را با احساسی شاعرانه درمی‌آمیزد. این حالت در آثار منظره‌پردازان «رمانتی‌سیسم[۷]» در اوایل قرن نوزدهم به اوج خود می‌رسد.

در این زمان کانستبل[۸] و ترنر[۹]، به درخشش و پویایی نور و رنگ در منظره توجه می‌کنند (تصاویر ۵ ــ۲ و ۶ــ۲).

۱ــ View of Toledo
۲ــ Baroque
۳ــ Peter Rubens (1577 - 1640)
۴ــ Van Rijn Rembrandt (1606 - 69)
۵ ــ Rococo
۶ــ Claude Gellee (1600 - 82)
۷ــ Romanticism
۸ ــ Constable, John (1776 - 1837)
۹ــ Turner, Joseph Mallord William (1775 - 1851)

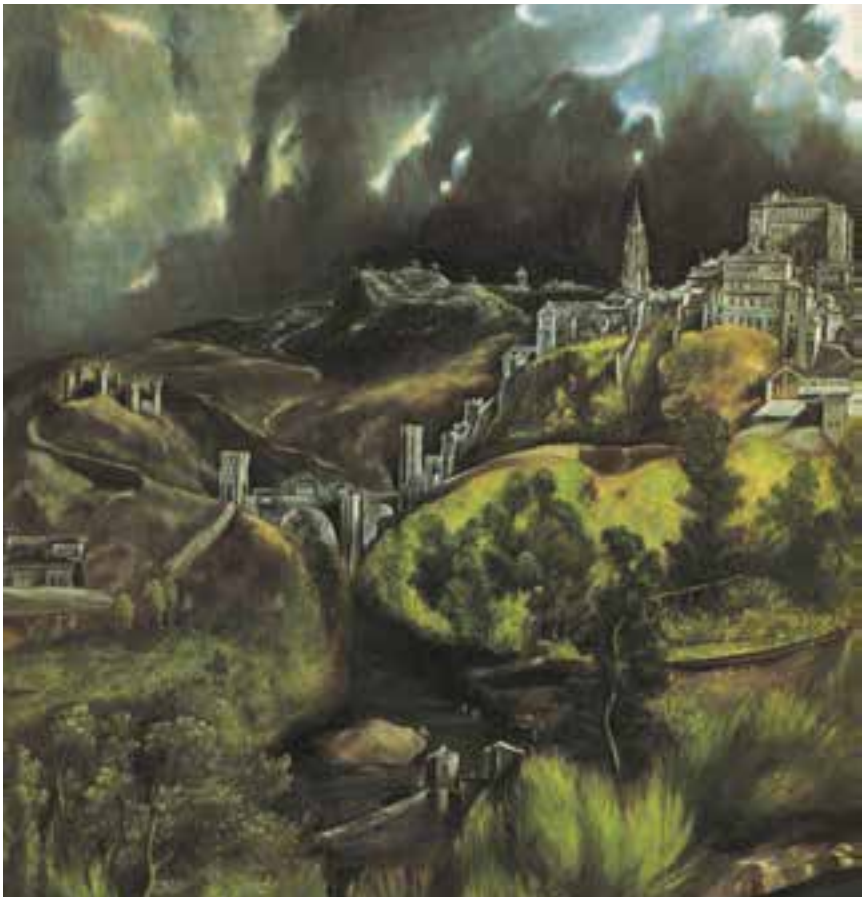

تصویر ۴ــ۲ــ ال گرکو ــ منظره‌ای از تولدو ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۶۱۰ ــ ۱۵۹۵ ــ ۱۰۹×۱۲۱ سانتی‌متر

تصویر ۵ ــ۲ــ جان کانستبل ــ منظره ــ رنگ و روغن روی بوم

تصویر۶ــ۲ــ ویلیام ترنر ــ آتش‌سوزی در پارلمان انگلیس ــ ۱۸۳۵ ــ ۱۸۳۴ ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۲/۱۲۳×۷/۹۲ سانتی‌متر ــ موزهٔ هنر کلیولند

تصویر ۷ــ۲ــ ویلیام تروست ریچارد[1] ــ صخره‌ها و موج ــ آبرنگ و گواش ــ ۱۸۷۶ م.

۱ــ William Trost Richards (1833 - 1905)

تجربه نزدیک طبیعت همراه با اُنسی درونی، مورد توجّه نقاشان منظره‌پرداز قرار می‌گیرد. کانستبل، با بازنمایی مناظر روستایی و ترنر، با نشان دادن نیروی رام نشدنی طبیعت و رنگ‌ها و نور متلاطم، ذهنیّتی شورانگیز را از طبیعت به‌دست می‌دهند. ترنر کاربرد رنگ را مدیون کار با آبرنگ بود. رقت و شفّافیّت رنگ‌های آبرنگ امکان استفاده جسورانه و هماهنگ رنگ‌ها را فراهم می‌نمود.

کانستبل برداشت‌های حسی خود را با چند حرکت سریع قلم‌مو ثبت می‌کرد. بدین‌سان طراوت طبیعت را به‌بهترین شکل درآثارش نشان می‌داد. این نوع نگاه در فرانسه بر نقّاشانی مثل کامیل کورو[۱] (تصویر ۸ ــ۲) و میه[۲] و دیگران در مکتب «باربیزون[۳]» تأثیر گذاشت.

در آلمان، روحیهٔ رمانتی سیسم در منظره‌های «کاسپارداوید فریدریش[۴]» (تصویر ۹ــ۲) با نوعی احساس مذهبی و سکوتی عمیق توأم بود.

تصویر ۸ ــ۲ــ کامیل کورو ــ منظره ۲۸ ــ ۱۸۲۶ ــ رنگ و روغن روی بوم ــ۴۴×۳۰ سانتی متر

۱ــ Camille Corot (1796 - 1875) ۲ــ Franqois Millet (1814 - 75)

۳ــ اعضای این مکتب، گروهی از نقاشان منظره‌ساز بودند که در دهکده باربیزون، نزدیک جنگل فونتن‌بلو اقامت داشتند.

۴ــ Friedrich, Caspar David (1774 - 1840)

تصویر ۹ــ۲ــ کاسپارداوید فریدریش ــ درخت در برف ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۸۲۹ میلادی ــ ۴۸×۷۱ سانتی متر

تصویر ۱۰ــ۲ــ جان ویلهلم شیرمر ــ ۱۸۴۰ ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۵۴×۷۶ سانتی‌متر

تصویر ۱۱ــ۲ــ فردریک نرلی ــ تیولی ۱۸۳۴ــ رنگ و روغن روی کاغذ ــ ۳۹/۸×۵۴/۴ سانتی‌متر

تصویر ۱۲ــ۲ــ پارکس بولینگتون ــ در جنگل ــ رنگ و روغن روی فیبر ــ ۲۴×۳۲/۵ سانتی‌متر ــ موزهٔ مرکزی بریتانیا

تصویر ۱۳ــ۲ــ جیمز دیوید اسمیل ــ منظره ــ سپتامبر ۱۸۶۹ ــ آبرنگ و گواش

تصویر ۱۴ــ۲ــ ویلیام تروست ریچارد ــ صخره ساحلی ــ ۱۸۷۷

در تابلوهای رئالیستی[۱] کوربه[۲]، طبیعت با قشر ضخیم رنگ و اجزای بزرگ‌نمایی شده در پیش‌زمینه دیده می‌شود.

در روسیه نیز منظره پردازی رئالیستی در کارهای نقّاشانی چون سرف[۳]، شیشکین[۴] و له‌ویتان[۵]، دیده می‌شود.

جنبش «امپرسیونیسم[۶]» همراه با تحول شگرفی که در نگرش حالات متغیّر نور و رنگ به‌وجود آورد، باعث شد تا نقاش، بیش از همیشه به تجربیّات عینی و زودگذر طبیعت تأکید کند. نقّاشانی چون مانه[۷]، مونه[۸] (تصویر ۱۵ــ۲)، رنوار[۹]، سیسلی[۱۰]، پیسارو[۱۱] و دگا[۱۲]، از سردمداران نهضت امپرسیونیسم به‌شمار می‌روند.

تفکیک رنگ و نور در کار «نئوامپرسیونیست‌هایی[۱۳]» چون سورا[۱۴] و سینیاک[۱۵]، در شکل نقطه‌هایی رنگین متجلی گشت. همچنین شور عاطفی و رنگ‌های تابان در آثار وان گوگ[۱۶] (تصویر ۱۶ــ۲) ؛ خصوصیات نمادین و رنگ‌های یکدست در آثار گوگن[۱۷] و ساختار هندسی ترکیب‌بندی و توجه به لغزندگی رنگ و نور در زاویه دیدهای متفاوت درآثار سزان (تصویر ۱۷ــ۲)، راز دستاوردهای دیگر نئوامپرسیونیست‌ها بود. امپرسیونیست‌ها و نئوامپرسیونیست‌ها، به دلیل رویکرد به رنگ‌های شفاف، به تدریج به رنگ‌های تخت گرایش یافتند. زوایای دید ناگهانی که در کار عکّاسان نیز دیده می‌شد آن‌ها را به سمت کارهای نقاشی شرق بخصوص باسمه‌های ژاپنی کشاند.

تصویر ۱۵ــ۲ــ کلود مونه ــ طبیعت نزدیک منتون ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۸۸۴ میلادی ــ ۳۳×۲۷ سانتی‌متر

۱ــ Realism
۲ــ Courbet ,Gustave (1819 - 1877)
۳ــ Valentin Serov
۴ــ Ivan Shishkin
۵ــ Isaac Levita
۶ــ Imperessionism
۷ــ Edouard Manet (1832 - 83)
۸ــ Claude Monet (1840 - 1926)
۹ــ Auguste Renoir (1841 - 1919)
۱۰ــ Alfred Sisley (1839 - 99)
۱۱ــ Camille Pissarro (1830 - 1903)
۱۲ــ Edgar Degas (1834 - 1917)
۱۳ــ Neo - Impressionist
۱۴ــ Georges Seurat (1859 - 91)
۱۵ــ Paul, Signac (1863 - 1935)
۱۶ــ Vincent Willem van GOGH (1853 - 1890)
۱۷ــ Paul, gaugin (1848 - 1903)

تصویر ۱۶ــ۲ــ ونسان وان گوگ ــ درختان شکوفه ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۸۸۸

تصویر ۱۷ــ۲ــ پل سزان ــ پل و کوه سنت ویکتور ــ ۸۷ ــ ۱۸۸۵

کسانی چون هوکوسای[۱] و هیروشیگه[۲]، تمام این خصوصیّات را به بهترین شکل در آثار خویش متجلی ساخته بودند و آثارشان بر هنرمندان پس از امپرسیونیست تأثیرگذار شد.

هوکوسای، در سی ودو منظره از «کوه فوجی» (تصویر ۱۸ــ۲)، ترکیب‌بندی‌های بدیع و گوناگونی را از یک موضوع طبیعت (کوه فوجی) ارائه می‌دهد که از آثار درخشان تاریخ منظره‌سازی محسوب می‌شود. توجه به رنگ تا رسیدن به رنگ‌های خالص و تند در کار «فووسیت‌ها[۳]» (مانند آثار اولیه ماتیس[۴] و آندر دُرن[۵]) (تصویر ۱۹ــ۲) و تکیه بر بیان احساس مبتنی بر اعتراض، تنفر و دلهره، ناشی از جنگ دوم جهانی در آثار «اکسپرسیونیست‌ها[۶]» (مانند مونش[۷]، کوکوشکا[۸] (۲۱ــ۲) ، امیل نولده[۹]، ایگون شیله[۱۰] و...) (تصویر ۲۲ــ۲) منظره‌پردازی را به سمت برداشت‌های ذهنی و تبدیل آن به بستری برای بیان شخصی هنرمند، سوق داد.

تصویر ۱۸ــ۲ــ هوکوسای ــ Katsushika Hokusai ــ منظره کوه فوجی ــ چاپ چوب

۱ ــ Hatsushika, Hokusai (1760 - 1849)
۲ــ Ando, Hiroshige (1797 - 1858)
۳ــ Fauvism
۴ــ Henri, Matisse (1869 - 1954)
۵ــ Andre Derain (1880 - 1954)
۶ــ Expressionism
۷ ــ Edvard munch (1863 - 1944)
۸ــ Oskar Kokoschka (1886 - 1980)
۹ــ Emil Nolde (1867 - 1956)
۱۰ ــ Egon Schiele (1890 - 1918)

تصویر ۱۹ــ۲ــ آندره دُرن ــ کوه‌های کولیور ــ ۱۹۰۵ ــ رنگ و روغن روی بوم

تصویر ۲۰ــ۲ــ پل سروزیه ــ منظره ــ رنگ و روغن روی بوم

تصویر ۲۱ــ۲ــ اسکار کوکوشکا ــ پل و قایق‌ها ــ ۱۹۲۳ ــ رنگ و روغن روی بوم

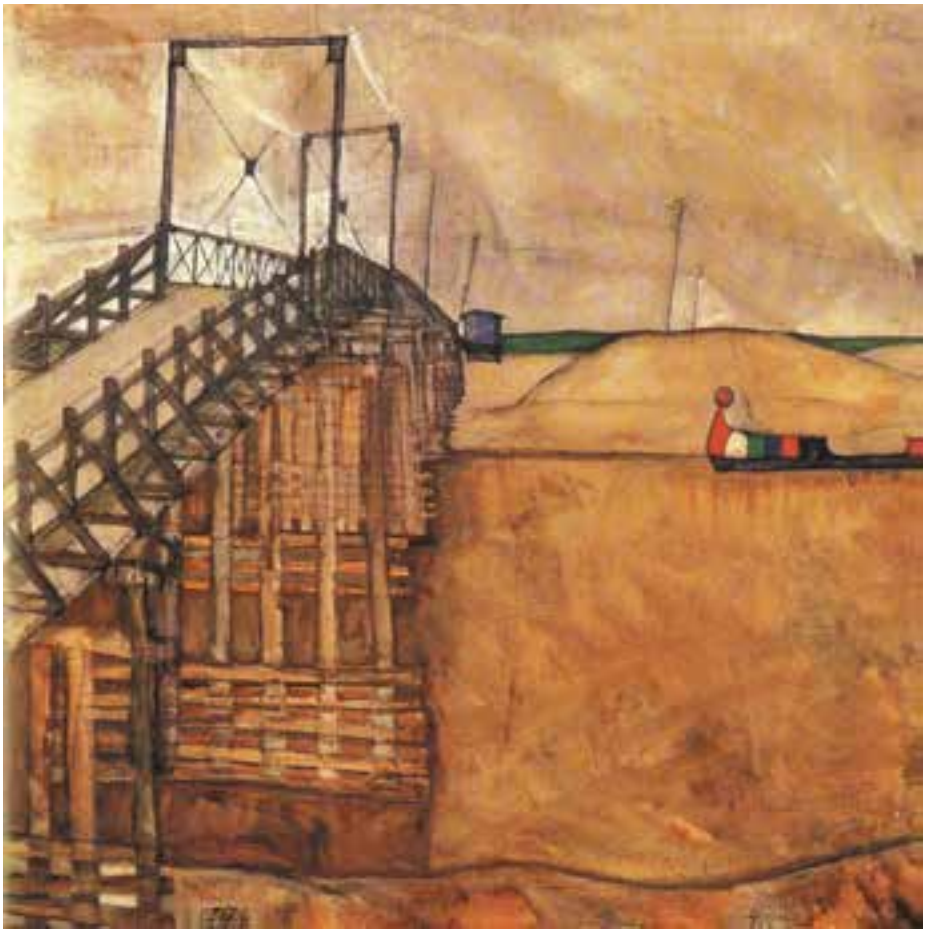

تصویر ۲۲ــ۲ــ ایگون شیله ــ پل ــ ۱۹۱۳ ــ رنگ و روغن روی بوم

«کوبیست‌ها[1]» نیز با ایجاد تحوّل در دیدگاه‌های سزان (تکیه بر احجام هندسی، به سطح رساندن عناصر نقاشی و زوایای دید متفاوت از یک موضوع) برش‌هایی در منظره پدید آوردند تا موضوع کار خویش را به «فرم‌های اولیه[2]» نزدیک سازند.

خیال‌پردازی در منظره‌های روسو[3]، بعدها در کارهای شاگال[4] و نیز در آثار سوررئالیست‌ها[5]، حالت وهم‌انگیز و خواب‌گونه می‌یابد. همچنین رنه ماگریت[6] و سالوادردالی[7]، با جابه‌جا کردن مناسبات تصویری و خوان میرو[8] و مارکس ارنست[9] با غیرواقعی کردن و تغییر اشکال، مرحله دیگری را در منظره پردازی به نمایش می‌گذارند.

منظره‌های انتزاعی کاندینسکی[10] و موندریان[11] (تصویر ۲۳ــ۲)، طبیعت را تا حد لکه‌ها و خطوط، ساده می‌کنند.

نقاشی از طبیعت، تا عصر حاضر نیز یکی از شاخه‌های مهم نقاشی‌ست و هر یک از نقاشان سعی نموده‌اند راهی تازه را در این عرصه بگشایند.

باید خاطرنشان کرد که طبیعت‌نگاری در شرق، همیشه با دیدگاهی اشراقی و عارفانه همراه بوده است. این نگاه، همهٔ اجزای طبیعت را تابعی از نیروی برتر می‌داند.

نقاشی «ذن» از طریق ثبت آنی نیروی درونی طبیعت و اهمیّت دادن به فضای خالی تصویر و نقّاشی ایرانی با پرداخت به اجزای کوچک و بزرگ و دستیابی به عالمی مثالی، این هدف را تحقق می‌بخشند.

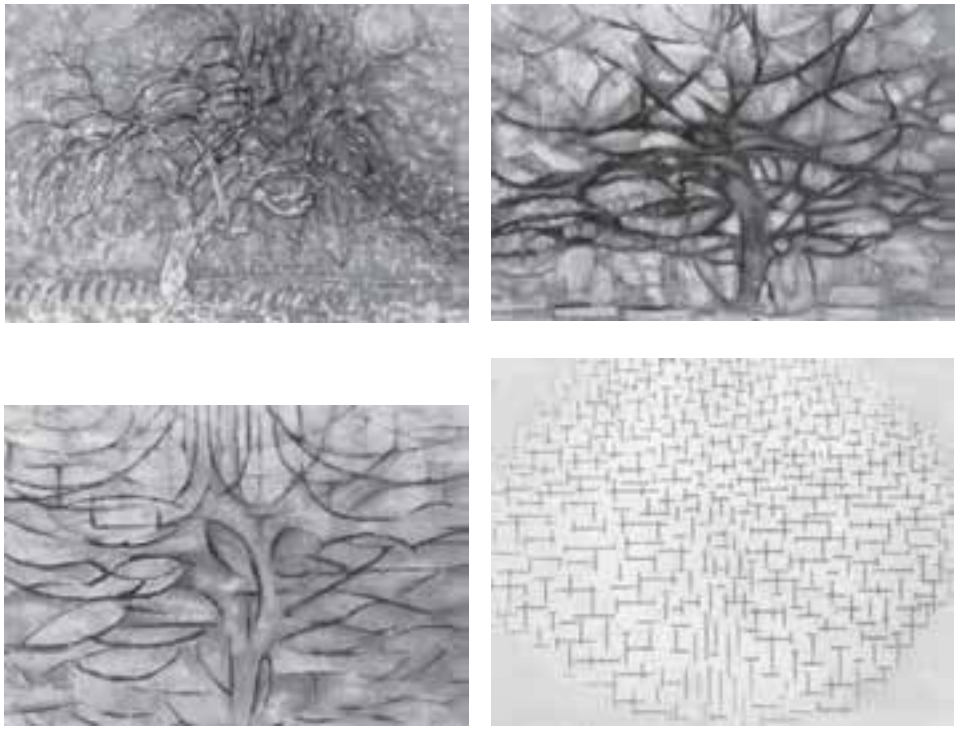

تصویر ۲۳ــ۲ــ پیت موندریان ــ مراحل ساده کردن درخت در کارهای نقاشی از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۵

۱ــ Cubism

۲ــ فرم‌های اولیه عبارتند از کره، مخروط و استوانه.

۳ــ Henri, Rousseau (1844 - 1910)

۴ــ Marc, Chagall (1887 - 1985)

۵ ــ Surrealism

۶ ــ René, Magritte (1898 - 1967)

۷ــ Salvador, dali (1904 - 89)

۸ ــ Joan, Miró (1893 - 1983)

۹ــ Max, Ernst (1891 - 1976)

۱۰ــ Wassily, Kandinsky (1866 - 1944)

۱۱ــ Piet, Mondrian (1872 - 1944)

تصویر ۲۴ــ۲ــ ادوارد هوپر ــ خانه ــ رنگ روغن روی بوم ــ ۵۰×۳۶ سانتی متر

تصویر ۲۵ــ۲ــ ریچارد استس ــ انعکاس‌های اتوبوس ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۹۷۹ ــ ۱۳۲×۱۵۱ سانتی‌متر

تصویر ۲۶ــ۲ــ دیوید هاکنی ــ نخل منعکس شده در استخر ــ آریزونا ۱۹۷۶ ــ مداد رنگی روی مقوا
(نمونه‌ای از سایه‌زنی‌های متنوع)

تصویر ۲۷ــ۲ــ ولف کان ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۱۹۸۷ ــ ۸۶×۷۲ سانتی‌متر

تصویر ۲۸ــ۲ــ منظرهٔ درختان با استفاده از سایه زنی چند جهته

تصویر ۲۹ــ۲ــ احمد اسفندیاری ــ کمپوزیسیون ــ رنگ و روغن ــ ۶۰×۵۰ سانتی‌متر

تصویر ۳۰ــ۲ــ سهراب سپهری ــ رنگ و روغن به شیوهٔ تخت ــ ۳۰۰×۹۹ سانتی‌متر

تصویر ۳۱ــ۲ــ سهراب سپهری ــ درخت‌ها ــ رنگ و روغن روی بوم ــ ۴۰/۵×۵۱ سانتی‌متر

تصویر ۳۲ــ۲ــ سهراب سپهری ــ منظره ــ آبرنگ بر روی کاغذ ــ ۴۹/۵×۶۴/۵ ــ (۱۳۵۷) هـ.

تصویر ۳۳ــ۲

تصویر ۳۴ــ۲

تصاویر ۳۳ــ۲و۳۴ــ۲ــ مراحل منظره‌پردازی با آبرنگ

تصویر ۳۵ــ۲

تصویر ۳۶ــ۲

تصویر۳۷ــ۲

تصویر۳۸ــ۲

تصویر۳۹ــ۲

تصاویر ۳۵ــ۲ تا ۳۹ــ۲ــ از پاشیدن رنگ، برای بافت‌سازی می‌توان بهره گرفت. همچنین با کشیدن ته قلم‌مو بر روی سطوح رنگ‌آمیزی شده‌ای که هنوز خیس‌اند می‌توان خط‌هایی را به‌وجود آورد.

تصویر ۴۰ــ۲

تصویر ۴۱ــ۲

تصاویر ۴۰ــ۲ و ۴۱ــ۲ــ قلم‌موهای مختلف آبرنگ درجات مختلفی از ضخامت را به‌دست می‌دهند.

۲ــ۲ــ شناخت روش‌های نقّاشی از طبیعت با آبرنگ و گواش[۱]

نقاشی از طبیعت به شیوهٔ آبرنگ و گواش مانند طبیعت بی‌جان است. در نقاشی از طبیعت به شیوهٔ آبرنگ یا گواش رقیق، به لکه‌های رنگی و نور و سایه‌ها توجه زیادی باید نمود. برای این‌که به جزییات ریز و زاید منظره توجه نکنیم، بهتر است با چشمان نیم‌بسته به موضوع نگاه کنیم.

برای این کار با آبرنگ و گواش رقیق، از رنگ‌های روشن شروع می‌کنیم و به رنگ‌های تیره می‌رسیم. شکل نورها و سایه‌ها و نحوه‌ی قرار گرفتن شاخه‌ها و برگ‌ها، نسبت به ساقهٔ اصلی درخت‌ها و تفاوت بافت‌ها را می‌توان با نحوه‌ی به‌کار بردن قسمت‌های متنوّع قلم‌مو به‌دست آورد.

وسایل کمکی مانند «میسکیت[۲]» (مثلاً برای شکوفه‌های سفید، یا ساقه‌های روشن‌تر و یا گل‌های کوچک لای علف‌ها)، پاشیدن نمک (برای بافت شن‌ها و ...)، کاربرد ابر درشت بافت و نایلن مچاله شده (مثلاً برای بافت سنگ‌ها و خاک) می‌تواند به سرعت بخشیدن کار و رفتارهای مختلف هنرمندانه کمک کند. در شیوه‌ی غلیظ گواش هم می‌توان پس از خشک شدن رنگ‌های آبرنگ یا گواش رقیق، جاهای موردنظر را با قشر رنگ پوشاند و یا تیره یا روشن‌تر نمود. همچنین می‌توان با روش مستقیم، رنگ‌ها را با تنوّع و به‌صورتی سرامیک گونه (مجزا از هم) کنار هم چید. این روش با شیوه‌های امپرسیونیستی، همخوانی بیش‌تری دارد.

رنگ‌های غلیظ را پس از خشک شدن می‌توان دوباره با رنگ پوشاند، اما این کار نباید به‌طور مکرّر، انجام گیرد.

مقواهای مختلف، نتیجه‌های متفاوتی را در پی دارند. در فرایند نقاشی، با تمرین زیاد می‌توان روش‌های شخصی را به‌دست آورد.

۱ــ از وسایل دیگری که می‌توان در نقاشی از آن استفاده کرد «آکریلیک» است. آکریلیک، ضمن آن‌که خصوصیات گواش را داراست، قابلیت پوشانندگی و چسبندگی زیادتری دارد و می‌توان آن را روی بوم نیز استفاده نمود یا با شیوه‌های دیگر مثل رنگ و روغن و پاستل (پس از خشک شدن آکریلیک) آن‌را ترکیب کرد.

۲ــ Miskit

تصویر ۴۲ــ۲

تصویر ۴۳ــ۲

تصاویر ۴۲ــ۲ و ۴۳ــ۲ــ در منظره‌سازی با روش گواش از رنگ‌های رقیق شروع نموده، با ساده کردن اجزای طبیعت، کم‌کم عناصر طبیعت را کامل می‌کنیم. علاوه بر خاکستری‌ها، سیاه‌ها و قهوه‌ای‌ها، از رنگ‌های سرد و جایگزین هم سود می‌جوییم.

تصویر ۴۴ــ۲

تصویر ۴۵ــ۲

تصاویر ۴۴ــ۲ و ۴۵ــ۲ــ طبیعت، درعین نظم حاوی بی‌نظمی‌ست. بافت درخت‌ها، علف‌ها و زمین و تنوّع رنگ در تغییر و تشخیص عناصر آن مهم هستند. می‌توانید اوقات مختلف روز را در یک منظره تجربه کنید.

تصویر ۴۶ــ۲ــ آبرنگ از طبیعت که به‌صورت اسکیس و با لکه‌های آزاد، کار شده است. (اثر نویسندگان)